

مبتداً	خبر	فاعل	مفعول	مجرور بحرف الجر
.....
مبتداً	خبر	فاعل	مفعول	مجرور بحرف الجر
		الله	الامثال	الناس

۲- غلطهای ترجمه‌های زیر را پیدا کنید و صحیح آن‌ها را بنویسید:

«اَكْتَسَبْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ»

برای ما در آن دنیا و آخرت نیکی را می‌نویسم.

برای ما در دنیا و آخرت نیکی را بنویس.

۳- غلطهای ترجمه‌های زیر را پیدا کنید و صحیح آن‌ها را بنویسید:

«لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ» عبادت نمی‌کنید مگر خدا را!

عبادت نکنید مگر خدا را! (فقط خدا را عبادت کنید)

۴- حرکت آخر (اعراب) کلمات مشخص شده را مشخص کنید:

«جاء الحقُّ و زهق الباطل» (اسراء/ ۸۱۹) حق آمد و باطل از میان رفت.

«الحقُّ» - «الباطل» هر دو فاعلند و مرفوع.

۵- حرکت آخر (اعراب) کلمات مشخص شده را مشخص کنید:

«انزل الله سنكيتته على رسوله و ...» (توبة/ ۲۶) خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و فرو فرستاد.

«الله» - «سنكيتته» - الله فاعل و مرفوع است و سكينه - مفعول و منصوب است.

۶- اُكْمِلْ تَرْجَمَةَ الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ:

لَا يَشْعُرُ الْمُؤْمِنُ بِالضَّعْفِ عِنْدَ مُوَاجَهَةِ الْمَشَاكِلِ،

..... به هنگام با مشکلات احساس ضعف :

مؤمن - روبرو شدن - نمی‌کند.

۱۵- غلطهای موجود در ترجمه‌های فارسی زیر را تصحیح کنید:

«تازرة المشتق الجاهل خطر»

متبر تاکندهی ذلستور لایان شاه خطرناک است.

مختورت کرمن یا دلسوز تانان حقیرناک است.

مشاریرة مفیدر است/ شقیق: اسم فاعل است/ جعلی: اسم لاهل است.

۱۶- غلطهای موجود در ترجمه‌های فارسی زیر را تصحیح کنید:

«و ما یؤمل العربین الا یسیرین و فیلین»

زینولان را حق بسیارند شده و آثار شده نمی فرستیم.

و زینولان را نمی فرستیم حق بسیارند هنده و بیم هنده.

«مشیرین و متدرین» هر دو اسم فاعل هستند.

۱۷- غلطهای موجود در ترجمه‌های فارسی زیر را تصحیح کنید:

«العقل فصلح کئی اثر»

عقل اصلاح شدهی هر کاری است.

عقل اصلاح کنندهی هر کاری است.

«فصلیح» اسم فاعل است.

۱۸- غلطهای موجود در ترجمه‌های فارسی زیر را تصحیح کنید:

«المستضعفون هم وارثون الارض»

ضعیف‌کنندگان همان وارثان زمین هستند.

ضعیف‌شدگان همان وارثان زمین هستند.

«المستضعفون» اسم مفعول است.

در ۳ سوال بعدی، با توجه به معانی آیات، در جای خالی کلماتی مناسب قرار دهید:

«القرینین، المتکذبین، المنقرین، المنقرین»

۱۹- «وَجَعَلَ لِلَّهِ الشَّيْرَ و» (نفره/۲۱۳)

خداوند پسران را بشارت دهنده و بیم‌دهنده مبعوث کرد.

«مشیرین و متدرین»

۲۰- «وَلَوْحِبَّ لِي حُكْمًا وَرَعْلِي مِّنْ ...» (شعرا/۲۱)

«برویدم گرام» به من دانش و حکمت بخشید و مرا از فرساده‌گان قرار داد.

«المرسلین»

۲۱- «فسيروا في الارض فالظروا كيف كان عاقبة...» (تحل/۱۳۴)

بناظران در زمین حیرت‌گشته و بگردید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

«المتظلمین»



قال المرأة الصغيرة لطيفة:

الوردية العود ابراحة تيبية ..

للشجر الخضراء اوراقا عظيمة ..

للشعر في الضجاع طيبة جميلة ..

للؤلؤ سحر فأتت بدیع ..

للله مائة ساقية و مائة راقية ..

فماذا تتركها انما الطلعة للقرانم الشكك الصغیر

فكانت لها الطبيعة

المرأة العذبة الخيول و الحبال المختوم بها النسيان

و روانی که چونکه نه طبعش فستاد علی سراج بی بی حیوانی بود. درخت سبز بر شکاری لعلش فارغ خود نگیرد در صبح
جهوی، یا دارد طبع حادش کجای او عالی و ریش دره رود آمد هانی صاب و سفلی طبعش انزال مار و پس از
طبعش برانی بود اما بحر کوچک که چیزی گذاشته بود؟ پس حادش طبعش تعلقت بر روانی کوچک حوی و سلیبی
و از: آیا به این بهره و قسمت قانع بیستی؟ / المصیر: صفت مشبهه - لطیفه: صفت مشبهه - جمله: جمله مشبهه -
شعر: صفت مشبهه / زمان: اسم ماضی

۳۳- ترجمه کن بر و بحر را - اصحاب الامم را فرات انجام دادند

المقبل بسند

سبح و بالأسر التقار لم حنن لبس. ما طلعوا كمن بالكلاب ما به شرف قومه المثلث الى الأبرار: السبل في المحيط الكوا
المجلا عدل: قال ألقى الفخام: أيتها الأبرار! تبعد الألسان عطفه و لسانه أحيانا روى الله الألسان عدل: تارة
و لسانا لصدايق الفساق. لو كانت لسان الأبرار كلسان فر هذا المحيط من هو أصل منك بالشمم ..
عدداً منكم الأبرار و عجت من جوانب الشعر السقم!

السلمة وتر

صلى في دار كمان و آراء مجلس أسير: فاد حزار الطهور يا حياست اسرارش تتروح به صحبت كبره سر به او شده
فقد انما في مجلس من تحت في تو هضم! در این موقع جوان فانا ما جهانت گفتن این امر! فادش اسبق مفضل و
دانت ایست مومنین به به انسان علی و ربانی فصیح روزی خواهد داد پس رقی از قضیته است. انم ایش
السلمة من او ایست. در آن مجلس شعر هست که اول مسامحه حکومته حواله اثر استقام
قد ان سوط امر حکومته که در او پاسخ دادر مائلا

انسان برتر

در شعر در تو هضم

دانا

جانشان خطی و در تو فصیح روزی خواهد داد - ای حکامی که خدا به اسناد خطی تکالیف و تلمیح تقویا روی فرمود
فصلت - در مصداق
از خطی - امر مفضل
پاسخ - پاسخ جوان کوچک

۳۴- ترجمه کن خطی علی الفارسیه بخواند فاله در خطی مرغ المصنوع المصار لها خط

خطها الذي اذ به اخصن المأكيد. و تغیر الحة قاله ربع اللؤلؤ - احسن بالزينة ذلك الفع انقصر ..

(الخط)

قرآن را بخواند که آن بهترین شعر است و هم آن را بنویسد که آن دیوار ناماست تلاوت آنرا از آن بزرگان هم
در عوسق که آن در صحنه بود نامتعالیست
احسن و انفع هر دو اسم متصل هستند.

٢٥- اكتب الفراغ:
 هذه شكروا زكهم،
 عن شكروا عن.
 لم شكروا زكهم * شكروا زكهم
 * اكتب الفراغ

٢٦- اكتب الفراغ:
 امرت شكوت زكهم * شكروا زكهم

هو ناجح	هما ناجحان	هي ناجحة	هي ناجحة
هو متجهدا	هما متجهدان	هي متجهدة	هي متجهدة

هو ناجح	هما ناجحان	هي ناجحة	هي ناجحة
هو متجهدا	هما متجهدان	هي متجهدة	هي متجهدة

٢٧- اكتب الفراغ عن طريق مناسب (مفصل او متصل):

أضربا الضربا الألفا الى الألفا اقل يا رب! سأخبت الى بيت الفدا:
 ١... نظرت البياض
 فن ٢... ٣... الفدا!
 ماذا تظنين؟
 تلكت فاعلمت... ٢... فظنني ادخلي.
 تيمنا؟... لا قدرنا احبوري قليلا... ٤... فغيرين
 حكام احبوا الفدا
 فليس شيئا
 بعد لحظات ترجع الفداة من بيده... لا... بالمعنى



٥... تجلسان تحت البظلة

١- هي ٢- ات ٣- الا ٤- في ٥- تحت ٦- ما ٧- ما ٨- هما

٢٨- منصح الاعضاء في ترجمة العبارات التالية:

فلم مستورون مطالعة دروسهم وتحن تفكر في الامتحان
 ما سرهم مطالعة درسي هادسان هينم و اربها به امتحان فكم مرر كند.
 اذها سرامم و مطالعة درسي هادسان هينم و ما به امتحان فكم مرر كند.

٢٩- اكتب الكلمات التالية مع ضمير الياهد:

فلم - معلم - يفتخر - في - الفدا - فليم

فلمتني - معلوم - يصبرون - بي - احبوني - فليمي

جاي خالتي له سوال جدي را يا يحيى ترهبونون عاق زيم به شيو.

الانبي، ما انبي، من الانبي

٣٠- الطالبة السجدة هي ... صحح في درسيها.

الانبي ترجمه: انبي اموز توشه هيدان فليس است به در برسيش مرقم مرقوم.

٣١- الافهات عن ... شيو من ليك.

الانبي ترجمه: هادان هيدان فليس فليس هينم به به خاطر ما هينم فليس (هي توبه)

۳۲- العنّ عندک فی سبیل اللّٰه.

معنا: ترجمه: اتفاق کن با چیزی که نزد توست در راه خدا.

۳۳- احترم هو اصغر منك.

معنی: ترجمه: به کسی که از تو کوچکتر است احترام بگذار.

۳۴- یعلمون العتالجات فلیهم اجر عظیم.

«الذین» ترجمه: کسانی که کارهای شایسته انجام می دهند پس برایشان اجر و پاداشی بزرگ است.

بنا توجه به جمله زیر در ۳ سوال بعدی پاسخ صحیح را بیاید:

هو الذي ارسل رسوله بالهدى

۳۵- حوا: الف) اسم □ ضمیر منفصل □ للغائب □ اسم الاشارة □

ب) حرف □ ضمیر منفصل □ للغایب □ ضمیر متصل للفعل □

اسم، ضمیر منفصل، للغائب، صحیح اند.

۳۶- الّٰدی: الف) اسم □ موصول عام □ للمفرد المذكر □ اسم الاشارة □

ب) حرف □ موصول خاص □ للفظي المؤنث □ ضمیر منفصل □

اسم، موصول خاص، للمفرد المذكر، صحیح است.

۳۷- ارسل: الف) فعل ماضی □ للغائب □ مجرد ثلاثی □

ب) فعل مضارع □ للمخاطب □ مزید ثلاثی □

فعل ماضی، للغائب، مزید ثلاثی، صحیح است.

بِسْمِ الرَّحْمَةِ

أَنْ يَهُودِيًّا طَلَبَ دَنَّتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَلَكِنَّ النَّبِيَّ (ص) مَا كَانَ عِنْدَهُ مَا يَدْفَعُ دَنَّتَهُ! فَقَالَ لِلْيَهُودِيِّ: الْآنَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ! فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: فَإِنَّا لَا نَسْتَجِبُ بِخُرُوجِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ! فَتَشْتَمُ النَّبِيَّ (ص) وَ قَالَ: أَتَيْتُمْ مَعَكُمْ وَ لَا تَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ!

أَصْحَابُ النَّبِيِّ (ص) الَّذِينَ شَاهَدُوا هَذَا الْمَنْظَرَ غَضِبُوا وَ هَدَّدُوا الْيَهُودِيَّ! فَخَطَرَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) إِلَيْهِمْ وَ قَالَ: مَاذَا تَفْعَلُونَ؟! أَلَا اللَّهُ مَابَعَثَ رَسُولَهُ لِلظُّلْمِ عَلَى النَّاسِ!

سَمِعَ الْيَهُودِيُّ كَلَامَ النَّبِيِّ (ص) وَ قَالَ: لَنْ نَهْتَدِيَ إِلَيْكَ رَسُولَ اللَّهِ وَإِنَّا مَا فَعَلْنَا الْعَمَلَ الَّذِي عَمِلْتَهُ إِلَّا لِأَطْمَئِنَّا نَفْسِي. فَأَتَى قُرَاتٍ فِي الثُّورَةِ:

..... إِنَّ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ (الْمَكَّةُ) لَيْسَ غَلِيظًا وَ لَا ظَالِمًا وَ لَا
فَمَسْلَمٌ عَيْنِكَ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ!

يَا مَبْرُحَةَ

دو نفر یهودی دین خود را از پیامبر خدا (ص) درخواست کرده. اما پیامبر (ص) چه چیزی نداشت تا یا آن دین خود را ادا کند. بنابراین به مرد یهودی گفت: الان چیزی ندارم. یهودی گفت: پس من اجازه‌ی خارج شدن از مسجد را به تو نمی‌دهم! پیامبر (ص) تندی کرد و گفت: با تو نشستیم و از مسجد خارج نشدم. یاران پیامبر (ص) کسانی که این صحنه را مشاهده می‌کنند عصبانی شدند و مرد یهودی را خواستند تهدید کنند. رسول الله (ص) به آن‌ها نگاه کرد و گفت: چه می‌کنید؟! همانا خداوندی که فرستاده‌اش را برای ستم بر مردم نفرستاد! یهودی سخن پیامبر (ص) را شنید و گفت: شهادت می‌دهم که تو پیامبر خدایی و من کاری را کردم. جود بگر برای اطمینان یافتن خودم. چه در تورات خواند: ... همانا کسانی که از مکه خارج می‌شوند (برای پیامبری) نه لختن است و نه ستمگر و نه پس سلام بر تو ای پیامبر رحمت!

- دو نفر یهودی ← یک نفر یهودی
- درخواست کرد ← خواست
- چه چیزی ← چیزی
- نشستم ← می‌نشتم
- خارج نشدم ← خارج نمی‌شوم
- کسانی که ← که
- مشاهده می‌کنند ← مشاهده کردند
- خواستند تهدید کنند ← تهدید کردند
- کاری را کردم ← من کاری را که انجام دادم، انجام ندادم مگر برای اطمینان یافتن خودم.
- خواند ← خواندم
- کسانی که ← کسی که
- خارج می‌شوند ← خارج می‌شود

المعنی			
عَلَى الضَّمِّ	عَلَى الْفَتْحِ	عَلَى الْكُسْرِ	عَلَى الشُّكُونِ
الاسم			
الفاعل			
الحرف			

۳۹- اجعل الكلمات التي تحتهَا خطًّا في مكان مناسب من

الجدول:

- ۱) العاقِلُ مِنَ وَغَطَّةِ التَّجَارِبِ.
- ۲) هَلْ يَسْتَجِجُ الدِّينُ لِأَنْدَرَسُونَ؟
- ۳) هُمْ وَجَدُوا طَرِيقَةَ إِجْرٍ هَلِهِ الْمَشْكَلَةِ.
- ۴) تَحِيَّ دَرَسْنَا وَ لِحَمَّتْنَا فِي الْأَمْتَحَانِ.

المعنی			
عَلَى الضَّمِّ	عَلَى الْفَتْحِ	عَلَى الْكُسْرِ	عَلَى الشُّكُونِ
الاسم	لَحْنٌ	الدِّينُ	هَذِهِ
الفاعل	وَجَدُوا	وَغَطَّتْ	دَرَسْنَا
الحرف		لِ	فِي

٤٠- اجعل الكلمات التي تحتها خط في مكان مناسب من

الجدول:

(١) و جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا.

(٢) لَا تَتَكاسَلْ فَإِنَّ طَرِيقَ الْعِزِّ صَعَبٌ.

(٣) هَلْ يَعْتَمِدُ الْعَاقِلُ عَلَى الْجَاهِلِ؟

المعرب			
المرفوع	المنصوب	المجرور	المحذوم
			الاسم
			الفعل

المعرب			
المرفوع	المنصوب	المجرور	المحذوم
صعب	كل	الماء الجاهل	الاسم
يعتمد			الفعل

٤١- عَيَّنِ الْمُعْرَبِ وَ الْمَبْنِيِّ مِنَ الْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ شَاهَدَتْ ضِفْدَعَةٌ بَقْرَةً فِي الْمَرْعَى، فَتَعَجَّبَتْ مِنْ عَظَمَتِهَا.

شَاهَدَتْ: مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ تَعَجَّبَتْ: مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ

٤٢- عَيَّنِ الْمُعْرَبِ وَ الْمَبْنِيِّ مِنَ الْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

فَقَالَتْ: أَيْهَا الْبَقْرَةُ! كَيْفَ أَصْبَحْتَ هَكَذَا؟ أَنَا صَغِيرَةٌ وَأَنْتِ كَبِيرَةٌ!

أَصْبَحْتَ: مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ.

٤٣- عَيَّنِ الْمُعْرَبِ وَ الْمَبْنِيِّ مِنَ الْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

قَالَتْ الْبَقْرَةُ: أَنْ أَللهَ خَلَقْنَا هَكَذَا.

خَلَقَ: مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ.

٤٤- عَيَّنِ الْمُعْرَبِ وَ الْمَبْنِيِّ مِنَ الْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

وَ خَلَقَ كُلَّ مَوْجُودٍ عَلَى سَكَلٍ!

خَلَقَ: مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ.

٤٥- عَيَّنِ الْمُعْرَبِ وَ الْمَبْنِيِّ مِنَ الْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

قَالَتِ الضَّفْدَعَةُ: سَأَصْبِحُ مِثْلَكَ. فَتَفَحَّحْتُ فِي نَفْسِهَا...

أَصْبِحُ: مَعْرَبٌ وَ مَرْفُوعٌ.

٤٦- عَيَّنِ الْمُعْرَبِ وَ الْمَبْنِيِّ مِنَ الْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

قَالَتِ الْبَقْرَةُ: لَا تَنْحِي! سَوْفَ تَنْفَجِرِينَ.

خَالَفَتِ الضَّفْدَعَةُ وَ اسْتَمْرَتْ ...

تَنْفَجِرِينَ: مَعْرَبٌ وَ مَرْفُوعٌ، ثُبُوتٌ نُونٌ اِغْرَابٌ.

٤٧- عَيَّنِ الْمُعْرَبِ وَ الْمَبْنِيِّ مِنَ الْأَفْعَالِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

فَأَنْفَجَرَتِ الضَّفْدَعَةُ وَ مَاتَتْ!

أَنْفَجَرَتْ: مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. مَاتَتْ: مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ.

صهر البصرة

تسكن يوماً في خربة من خرابات البصرة. فقصت نوبح ولدها اخذت يوميات الفريسي.
فرغشت بركة الموصل و قالت: ان البصرة بلدة كبيرة و معمورة و وذلك لا يجوز دفع مهر بشي و هو عشرة بيوت خربة.
فقلت يوم البصرة! نعم! هو الآن لا يجوز دفع هذا المهر ولكن اذا عقدت حكومة مولانا الحاكم احضت الفقه لمدة سنة. فلما
اصفرت لك ألف بيت خرب لمهر بتك!

محدث جغد

زندگی می‌کند جغدی در خرابه‌ای از خرابه‌های بصره. پس خواست که پسرش را به ازدواج یکی از دختران موصل آورد.
آورد. جغد موصول مخالفت کرد و گفت: «ممانا بصره سرزمین کوچک و آبادی است و تو نمی‌توانی مهر دختر مرا
بپرداز. مهر دختر من ده خرابه است. گفت جغد بصره: «بله، من الآن تو را بی پرداخت این مهر را دارم، اما اگر
حکومت سرور حاکم ما که «خداوند او را حفظ کند» برای دو سال دیگر باقی بماند، من تضمین می‌کنم برای مهر
دخترت هزار خانه‌ی خراب را!»

- محدث جغد ← مهری می‌جغد
کوچک ← بزرگ
بپردازی ← بپردازد
گفت جغد بصره ← جغد بصره گفت (فعل در آخر جمله نباید)
من ← او
تضمین می‌کنم ← برای مهر دخترت هزار خانه‌ی خراب را تضمین می‌کنم (فعل در آخر جمله نباید).

زندگی می‌کند ← سکونت دارد (در انتهای جمله بیاید)

تو نمی‌توانی ← فرایده تو نمی‌تواند

خرابه ← خانه‌ی خراب

دو سال ← یک سال

دارم ← ندارد

تضمین می‌کنم ← برای مهر دخترت هزار خانه‌ی خراب را تضمین می‌کنم (فعل در آخر جمله بیاید).

المفعول به	الفاعل	الفاعل

۴۹- تَرَجِمَ النَّصَّ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ وَ حَيَّنَ الْفَاعِلُ وَ بَوَّعَهُ وَ الْمَفْعُولُ بِهِ:

سافر شخص الی بلاد کثیره و شاهد انواعاً مختلفه من الحیاة.

سئاله احد اصدقاءه:

لقد رأيت قدن العالم و اشكالا مختلفة من الحیاة خلال سفرك. فما اجمل شي رأيت؟

اجاب: هو وطني الذي تولدت فوق ارضه و تنعمت بحيراته و تربيت بثقافته!

المفعول به	الفاعل	الفاعل
—	شخص	سافر
انواعاً	هو المستتر	شاهد
هـ	احد	سأل
قدن	ت	رأيت
جمعه‌ی شو و وطني الذي ..	هو مستتر	اجاب
—	ت	تولدت
—	ت	تنعمت
—	ت	تربيت

شخصی به سرزمین‌های زیادی مسافرت کرد و انواع مختلفی
از زندگی را مشاهده کرد پس یکی از دوستانش از او پرسید:
شهرهای جهان و شکل‌های مختلفی از زندگی را در طول
سفرت دیده‌ای پس چه چیزی زیباترین چیزی است که آن را
دیده‌ای؟ جواب داد: آن وطن من است که بر روی زمین
متولد شدم و از حیرات و خوبی‌های آن بهره‌مند شدم و با
فرهنگش تربیت شدم.

۵۰- تَرَجِمَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ بِعِبَارَةِ مَالِوَقَةَ:

ارثنا افرغ غلبنا صبراً و نلت اقدامنا و انصرتنا على القوم الكافرين

پروردگارا بر ما صبری را فرو ریز و قدم‌های ما را ثابت کن و ما را بر قوم کافران پیروز گردان.

«افرع» نشت و انصره» هر سه فاعلان انت مستور است.

۵۱- تَرَجِمَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ بِعِبَارَةِ مَالِوَقَةَ: خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قُلُّ وَ دَلُّ

۵۲- تَرْجِمِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَةٍ مَالُوفَةٍ: اصْتَدَيْتُكَ مِنْ صَدَقَّتْكَ لِأَنَّ صَدَقَّتْكَ.

دوست تو کسی است که به تو راست بگوید نه کسی که تو را تصدیق کند.

صَدَّقَ: فاعلُه «هو» المستتر / صَدَّقَ: فاعلُه «هو» المستتر.

جدول زیر را با استفاده از کلمات هر جمله در ۴ سوال بعدی پر کنید:

	اسم ظاهر	
	ضمیر بارز	انواع فاعل
	ضمیر مستتر	
	مفعول به	مفعول به -
	جار و مجرور	جار و مجرور

۵۳- يَبَشِّرُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ بِرَحْمَتِهِ.

اللَّهُ: فاعل - اسم ظاهر - مرفوع

المؤمن: مفعول - منصوب

برحمة: جار و مجرور

خدا مؤمن را به بخشایش بشارت می دهد.

۵۴- يا موسى «اُخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»

أخْرِجْ: فاعلُه: ضمير «انت» المستتر

قوم: مفعول به و منصوب

ترجمه: ای موسی، قومت را از تاریکی ها به سوی نور خارج کن.

۵۵- «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»

«وا» در «اذكروا» فاعل از نوع ضمیر بارز

عليكم: جار و مجرور

ترجمه: و یاد کنید نعمت خدا را بر خودتان.

۵۶- «الْحَسَنَةُ تَذْهَبُ السَّيِّئَةَ»

تذهب: فاعلُه «هي» المستتر

ترجمه: نیکی، بدی را از بین می برد.

۵۷- عَرَبِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ:

وقت نماز رسیده است، الآن می رویم و نماز می خوانیم.

حانٌ وقتُ الصلوة. نذهب الآن و نصلي.

۵۸- عَرَبِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ:

آن ها نور حق را ندیدند و از حقیقت دور شدند.

هم ما شاهدوا نور الحق و ابتعدوا عن الحقيقة.

المؤمن يتوره في وجهه و حوته في قلبه ،، يتكره الرذيلة ،،
شكوره صوره مغرور يفكره .

مؤمن شادي اش در صورتی است و تاراحتی اش در قلبش ، خود بزرگ بینی را ناپسند می شمارد . سپاسگزار و شکیبا و
غرق در اندیشه های خویش است .

۶۰- غرمت العبارات التالية:

فرصت را برای یادگیری غنیمت شمارید .

اعتنوا الفرصة لتعلم .

۶۱- غرمت العبارات التالية:

مسلمانان برای کاری مهم در مسجد جمع می شوند .

يجتمع المسلمون في المسجد لأمورهم .

۶۲- اعمل القراع في الأعراب و التحليل الصرفي:

العاقِل يَعْتِنُ الفرصة في الحياة

العاقِل: اسم، مذكر، / مبتدأ و و الجملة ،

يعتنم: فعل، ، للغائب متعدي، / قتل و

فاعل ضمير هو المستتر و الجملة فعلية و و

الفرصة: اسم، ، / مقول و

في: حرف جر، ، ، ،

الحياة: اسم، مفرد، ، جامد، / به حرف جر / في الحياة: جار و مجرور

العاقِل: اسم، مفرد، مذكر، مشتق (اسم فاعل) ، معرف / متدا و مرفوع و الجملة اسمية .

يعتنم: فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي من باب افعال، متعدي، معرف / قتل مرفوع و فاعله ضمير هو المستتر و الجملة

فعلية و خبر و محلاً مرفوع .

الفرصة: اسم، مفرد، مؤنث، جامد، معرف / متعدي و منصوب .

في: حرف جر، عامل، مبتدئ على السكون .

الحياة: اسم، مفرد، مؤنث، جامد، معرف / مجرور به حرف الجر، في الحياة: جار و مجرور ،

۶۳- متن زیر را بخوانید و ترجمه کنید:

الكفار غضبوا بلداً من البلاد الاثلامية . الناس خائفون و الحكام مستهزون على نفس الشعب و اهلهم .

كان في هذا البلد رجل صالح هو رفيق الاطفال و نصاحب العتيان . بقى هذا الرجل علي ارتباطه بالاطفال و العتيان

رماً طويلاً . و بعد سنوات وقعت حادثة عجيبة . الناس شاهدوا تلك الرجل مع جيش من اولئك العتيان و هم

يهجمون على الاغدا ، و يهزمونهم ، الناس سألوا عن سر عهده .

قال: فخرت اولاً في الكبار فوجدت الناس مسيطرا عليهم . فبدأت بالاطفال . فهم اهل المستشفى !

كافران سرزمینی از سرزمین های اسلامی را اشغال کردند ، مردم ب سیدیه بودند و حاکمان بر جانهای ایت و اموالشان

سلط بودند .

در این سرزمین مردی صالح بود ، او دوست و همساز کودکان و صاحب و همسازین بچه ها بود ، این مرد بر ارتباطش

را کودکان ها زمانی طولانی باقی می ماند ، و بعد از سال های حادثه ای عجیب رخ داد . مردم آن مرد را همراه با سپاهی

از آن بچه ها مشاهده کردند در حالی که بر دشمنان حمله می کردند و آنها را شکست می دادند . مردم درباری راز

عملش پرسیدند ، گفت: ابتدا درباری بزرگترها فکر کردم پس دریافتم که تأییدی بر آنها سلط شده است پس با

کودکان شروع کردم آنال امید آینده هستند .

۶۴- ترجمه‌ی جمله‌های زیر را در کنار هم بنویسید تا مشخص شود اسم موصول «من» در چند صیغه به کار می‌رود:



من النساء من شاركن في الجهاد: از میان زنان کسانی هستند که در جنگ شرکت کردند.

أحسن إلى علمك حرفاً: نیکی کن به کسی که حرفی را به تو آموخت.

أحسن إلى من علموك حرفاً: نیکی کن به کسانی که حرفی را به تو آموختند.

أحسب إلى من علمتك حرفاً: نیکی کن کسی که حرفی را به تو آموخت.

۶۵- ما هي الترجمة الدقيقة للعبارة التالية؟ «رَبَّنَا إِنَّا أَفْقَاءٌ لِّمَا نُتْرَلُ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ»

(۱) پروردگار ما، ما نیازمندیم به کارهای خیری که ما را از تنزل نجات دهد

(۲) خدایا نیاز ما به خیر بسیار زیاد است

(۳) پروردگار ما، ما به آن چه از خیر بر ما نازل می‌کنی نیازمندیم

(۴) خدای ما، همانا فقیران به خیر بیشتر محتاجند

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات: رَبَّنَا: پروردگار ما - إِنَّا: همانا ما - أَفْقَاءٌ: نیازمندیم - لِّمَا: به آن چه - نُتْرَلُ:

نازل می‌کنی - إِلَيْكَ: بر ما - مِنْ خَيْرٍ: از نیکی.

۶۶- در کدام گزینه ضمیر رفعی وجود ندارد؟

(۱) انا (۲) اذھبی (۳) خَرَجْتُ (۴) ضَرَبْنَا

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «ضَرَبْنَا» یعنی «ما را زد» ضمیر «نا» در این گزینه منصوبی است زیرا مفعول است.

سایر گزینه‌ها: (۱) انا: متصل رفعی (۲) ی: ضمیر متصل فاعلی (۳) ت: متصل فاعلی (رفعی)

- ۱) شجعا ۲) سمعنا ۳) سمعت ۴) شجعوا

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در افعال ماضی، فاعلها نه ترتیباً زیر است، با کمی دقت مترجم می‌توانیم که تنها گزینه ۳ می‌تواند ضمیر مستتر داشته باشد:

۱- مفرد مذکر غایب (فعل) ← اسم ظاهر یا ضمیر مستتر «هو»

۲- مثنی مذکر غایب (فعل) ← ضمیر بارز «ان»

۳- جمع مذکر غایب (فعلوا) ← ضمیر بارز «و»

۴- مفرد مؤنث غایب (فعلت) ← اسم ظاهر یا ضمیر مستتر «هی»

۵- مثنی مؤنث غایب (فعلتا) ← ضمیر بارز «ان»

۶- جمع مؤنث غایب (فعلن) ← ضمیر بارز «ن»

۷- مفرد مذکر مخاطب (فعلت) ← ضمیر بارز «ت»

۸- مثنی مذکر مخاطب (فعلتما) ← ضمیر بارز «تما»

۹- جمع مذکر مخاطب (فعلتم) ← ضمیر بارز «تم»

۱۰- مفرد مؤنث مخاطب (فعلتی) ← ضمیر بارز «تیه»

۱۱- مثنی مؤنث مخاطب (فعلتما) ← ضمیر بارز «تما»

۱۲- جمع مؤنث مخاطب (فعلتن) ← ضمیر بارز «کنن»

۱۳- متکلم وحده (فعلت) ← ضمیر بارز «ت»

۱۴- متکلم مع العبر (فعلنا) ← ضمیر بارز «نا»

۶۸- علین الجواب الصحیح:

امر قارون یدفع دینار لاولئکه الذیحال ل... -

- ۱) تحقیرهم ۲) فساعدتهم ۳) تخریفهم ۴) تیشیرهم

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «تحقیرهم» صحیح است هدف قارون تحقیر آنان بوده:

۶۹- همه کلمات کدام گزینه جاافتاده؟

- ۱) فضح- قصول- الالف ۲) اقرباء- سلطه- ثوره ۳) الخراج- سبده- صفراء ۴) تقوی- هزار- خطبة

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. به بررسی گزینه‌ها می‌پردازیم:

۱- فضح: به معنای «افساکری» بوده و مصدر «ثلاثی مجرد» می‌باشد، بنابراین «جامد (مصدری)» است، قصول: جمع «بکسر» «قصل» بوده و «جامد (غیر مصدری)» می‌باشد، آلف: جمع مکسر «الف» بوده و «جامد (غیر مصدری)» می‌باشد.

۲- اقرباء: جمع مکسر «قری» (بر وزن «فعل») صفت مشبیه: «مستق» - سلطه: به معنای «فرمانروایی» بوده و مصدر «ثلاثی مجرد» می‌باشد، بنابراین «جامد (مصدری)» است، ثوره: به معنای «تقلاب» بوده، «جامد (مصدری)» می‌باشد.

۳- إخراج: مصدر باب «اعمال» «جامد (مصدری)» - سبده: بر وزن «فعل» بوده، صفت مشبیه «می‌باشد، بنابراین «مستق» است، صفراء: صفت برای بیان «رنگ» بوده و بر وزن «فعل» می‌باشد، بنابراین صفت مشبیه «است» و «مستق» است.

۴- تقوی: جامد (مصدری)، هزار: بر وزن «فعل» بوده و «اسم مکان» از «ثلاثی مجرد» می‌باشد، بنابراین «مستق» است، خطبة: مصدر «ثلاثی مجرد» بوده و «جامد (مصدری)» می‌باشد.

۷۰- ترجمه آیه شریفه «قل اسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المجرمین» کدام است؟

- ۱) بگو در زمین سیر کنید پس بگردید سرانجام گناهکاران چگونه بوده است.
- ۲) بگو سیر در زمین شما را از چگونگی سرانجام گناهکاران آگاه می‌سازد.
- ۳) بگو نگرشی به سرانجام گناهکاران متوط به سیر در زمین خواهد بود.
- ۴) بگو باید در زمین سیر کنید تا به سرانجام گناهکاران واقف شوید.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «قل» اسیروا و «انظروا» به ترتیب از ریشه‌های «ق» و «ن» می‌آید و «الارض» ظرف است و «انظروا» فعل امر بوده و به ترتیب از صیغه‌های مفرد مذکر مخاطب، اجمع مذکر مخاطب و اجمع مذکر مخاطب می‌باشد. با توجه به این توضیح، سه فعل یاد شده به صورت اینگونه اسیر کنید، مسافرت کنید و انگیزه ترجمه می‌شوند. ما در نظر داشتن توضیحات فوق، براحتی می‌تواند عبارت داده شده را ترجمه کرد.

ترجمه: «بگو در زمین سیر کنید پس بگردید عاقبت گناهکاران چگونه بوده است.»

۷۱- آن در کدام صیغه ضمیر است؟

- ۱) بجاهدون
- ۲) بجاهدون
- ۳) تجاهدون
- ۴) تجاهدون

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در فعل‌های مضارع دو صیغه جمع مؤنث غایب و اجمع مؤنث مخاطب، حرف آن ضمیر است و از این جهت است که در هنگام جزم، حذف نمی‌گردد. گزینه ۱ در صیغه جمع مؤنث غایب است. دو بقیه گزینه‌ها آن ضمیر نیست و هنگام جزم، حذف می‌شود.

۷۲- کدام پاسخ امر غایب جمع مؤنث است؟

- ۱) افهمن
- ۲) افهمن
- ۳) لفهمن
- ۴) لفهمن

گزینه ۳ صحیح است. گزینه‌های داده شده به ترتیب دارای صیغه‌های زیر می‌باشند:

- ۱- امر حاضر - جمع مؤنث
 - ۲- امر حاضر - مفرد مؤنث
 - ۳- امر غایب - جمع مؤنث
 - ۴- مضارع منصوب - مفرد مؤنث مخاطب
- نکته: فعل امر غایب و تکلم با با افزودن لام مکسوره به اول فعل مضارع و مجزوم نمودن آن می‌سازند.

۷۳- ما من الصحیح؟

- ۱) اکتبوا تمارینکم: الواو، مرفوع محذوف
- ۲) المؤمنون یجتهدون: المومنون، فاعل
- ۳) یحمل الوالد محفظته: یحمل، فاعله هو مستر
- ۴) آتت آتت انشاء کتبه آتت، فاعل

گزینه ۱ صحیح است. در گزینه ۱ ضمیر بارز «واو» فاعل فعل «اکتبوا» بوده و محذوف مرفوع است. لذا گزینه ۱ صحیح می‌باشد. در گزینه ۲ کافلاً مشخص است که جمله اسمیه بوده و «المؤمنون» مبتدا و مرفوع است. (زیرا هرگز فاعل قبل از فعل آورده نمی‌شود). در گزینه ۳ با توجه به معنای جمله، اشکار می‌شود که «الوالد» فاعل فعل «یحمل» است و این گزینه نامرتب می‌باشد. در گزینه ۴ ضمیر «آتت» اسمی است که در ابتدای جمله آمده است. لذا مبتدا و محذوف مرفوع است. پس این گزینه نیز غلط می‌باشد.

۷۴- عنین الخطأ فی نوع الخمر:

- ۱) اولئک الائنات لا یسمحن لاولادعن ان یلعوا خارج البیت (جمله فعلیه)
- ۲) لتذیباتی فی السف همة عالیة ینجح فی دروسین (شبه الجملة)
- ۳) صتیقک من یأمرک بالمعروف و ینهاک عن المنکر (مفرد)
- ۴) هناك شيء ما رأینہ حتی الآن فی حیاتی (مفرد)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این گزینه «هناک» ظرف و شبه جمله است و غیر مقدم. اما خبر در گونه‌های دیگر «لا یسمحن» تلمیذات، «من» به ترتیب جمله‌ی فعلیه، شبه جمله مفرد می‌باشد.

۷۵- این فعل ماضی؟

- ۱) علموا
- ۲) اسلموا
- ۳) جاهدوا
- ۴) اکرمن

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بقیه فعلها امر هستند.

۷۶- از نظر مطابقت فعل یا فاعل کدام ترکیب صحیح نیست؟

- ۱) یجتهد المؤمنون
- ۲) المؤمنون یجتهدون
- ۳) نسعی المؤمن فی عمنه
- ۴) المؤمن یسعی فی عمله

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فعل جمله در دو مورد از فاعل خود تبعیت می کند: ۱- عدد ۲- جسی ولی باید در نظر گرفت که اگر فعل غایب در اول جمله بکار رود، صورت مفرد حی آید، در گزینه ۳ فعل مؤنث (تسعی) برای فاعل مذکر «المؤمن» آمده است و این نادرست است. در گزینه ۱ فعل در اول جمله آمده و به همین دلیل به صورت مفرد بکار رفته است.

۷۷- فی ای عبارت مابعد فعل مزید؟

- ۱) ولنا فرح علینا ضرا.
- ۲) اللهم! یزنا قدرتنا بنور الایمان و البقیة.
- ۳) انا فعدت لك حيلة کریمه.
- ۴) و ما ترسل المرسلین الا همسین و فتدرین

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فعدت، مجرد است اما افعال افرغ، تزلزل، مزید مستند، افرغ، امر باب افعال یوزن امر باب تشعبل و ترسل، مضارع باب افعال مستند.

۷۸- نگارش کدام گزینه از نظر جمله بدنی صحیح است؟

- ۱) المسلمون هاجروا الى أرض جدیدة
- ۲) هاجروا المسلمون الى أرض جدیدة
- ۳) المسلمین هاجروا الى أرض جدیدة
- ۴) هاجروا المسلمین الى أرض جدیدة

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. یا توجه به اینکه فعل «هاجروا» به صورت «مفرد» نیامده است، بنابراین نمی تواند در ابتدای جمله قرار بگیرد و باید بعد از مرجع خود بیاید. مرجع این فعل، «جمع مذکر عالم» کلمه «المسلم» بوده و در نقش مبتدا است. بنابر این امر «فرغ» می باشد و بصورت «المسلمون» (رفع به اولی) به کار می رود.

۷۹- علی ما ایین فی المفعول به:

- ۱) اقامت إدارة المدرسة احتفالا كبيرا بمناسبة عيد العتال!
- ۲) إنها فعنة طويلة لكنني لن أقول لك كل شيء عنها في هذا الوقت!
- ۳) استعد الفريقان لسيارة التهاية استعدادا كبيرا فغازوا فوراً عضيماً!
- ۴) لم أترقب سب استمرار الآخرين بهذه اللعبة الخطيرة في هذه المباراة!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. (دو گروه برای مسابقه نهایی بسیار آماده شدند و به پیروزی بزرگی رسیدند.) «استعداداً، فوراً» (المفعول المطلق للترغ و التصوب) ۱) (مدیر مدرسه حسن بزرگی را به مناسبت عید کلمه دریا داشت.) «احتفالاً» مفعول به و منصوب ۲) (آن فصدای طولانی است ولی من هر چیزی را درباره‌ی آن در این وقت به تو نخواهم گفت.) «اکل» مفعول به و منصوب ۴) (حالت ادامه دادن دیگران به این بازی خطرناک در این مسابقه را نفهمیدم.) «سبباً» مفعول به و منصوب

۸۰- نقش انا در عبارات «تعدنا عن التیوم» و «التصائب» چیست؟

- ۱) فاعل
- ۲) نائب فاعل
- ۳) مضافه الیه
- ۴) مفعول به

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «تعدنا» بر وزن «تفعل»، فعل مضارع معلوم در نائب «افعلنا» بوده و از ریشه اب ج تا می باشد. ضمیر «نا» که از صیغه امتکلم وحده است به فعل مربوط که از صیغه مفرد مؤنث غایب با «معد» مذکر مخاطب می باشد متصل شده و با توجه به معنی جمله «مفعول به» می باشد.

۸۱- اكمل الفراغ بالإجابة المناسبة؟ ارحب علیکم ان ... حجبتکم ... الفتیات

- ۱) تحفظن، ایها
- ۲) تحفظن، ایها
- ۳) تحفظوا، ایها
- ۴) تحفظن، ایها

با توجه به معنی جمله و وجود ضمیر «کنن» و اسم جمع مؤنث «الفتیات» می توان نتیجه گرفت که فعل مورد نظر باید از صیغه جمع مؤنث مخاطب باشد. یعنی «تحفظن» درست است. بر سر این فعل حرف ناصبه «ان» آمده است ولی چون این فعل فاعلی است محلاً منصوب می باشد.

از آنجا که «الفتیات» مؤنث است باید حرف ندای مؤنث «اینها» انتخاب شود. بنابراین گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۸۴- کم نوعاً من المستغاثات جاء في هذه العبارة؟ «لما علم أمير المؤمنين بأن البائع قد حرقه بتركه المكان ولفظ إلى ذلك آخر»

(۱) انسان (۲) ثلاثة (۳) أربعة (۴) خمسة

گزیده ۳ پاسخ صحیح است. در عبارت داده شده چهار نوع فعلی به کار رفته است: ۱- «أمر» صفت مشبوهه، ۲- «المؤمنين و البائع» اسم فاعل، ۳- «المكان» اسم مکان، ۴- «آخر» اسم تفضیل

۸۳- عین الخبر فی العبارة التالية: «الصحاح المرء بنفسه دلیل علی ضعف عقله»

(۱) المرء (۲) نفسه (۳) دلیل (۴) علی ضعف

گزیده ۳ پاسخ صحیح است. (المرء) مضاف الیه و (بنفس) جار و مجرور و (علی ضعف) جار و مجرور (دلیل) خبر مفرد است. زیرا این کلمه معنی جمله را کامل می کند.

۸۴- «سئید» چه نوع کلمه‌ای است؟

(۱) صیغه مبالغه (۲) مصدر (۳) اسم فاعل (۴) صفت مشبوهه

گزیده ۴ پاسخ صحیح است. «سئید» بر وزن «فعل» بوده و این وزن از اوزان اختصاصی صفت مشبوهه می باشد.

۸۵- نقش ضمائر مشخص شده به ترتیب چیست؟ «أطلقوه»

(۱) فاعل، مفعول (۲) مفعول، فاعل (۳) فاعل، فاعل (۴) مفعول، مفعول

گزیده ۱ پاسخ صحیح است. «أطلقوه» ضمائر بارز فاعلی است و ضمائر «أ» - «ما» - «هم» چنانچه به فعل متصل شوند مفعول می باشند. خطای سایر گزینه‌ها معلوم است.

۸۶- عین الفاعل و المتعول ایما مبینة:

(۱) لیسنا ما اشتراه لی الیوم ابي من الشوق!

(۲) یؤقر لی اهی الحنون کل ما انا محتاج الیه!

(۳) حین الیکم و ربکم مسرورین و ان کانت حولکم مشاكل كثيرة!

(۴) ان تدعوا ذلک الصدیق الی ضیافتکم ستصحح حقنکم کاملاً!

گزیده ۲ پاسخ صحیح است. «ام»؛ فاعل و «کل» مفعول که هر دو معرب می باشند. اما در سه گزینه دیگر چنین نیست. تشریح سایر گزینه‌ها: (۱) ضمیر «ت»؛ فاعل و «ما» مفعول به «اشتری»؛ ابي؛ فاعل تقابیری، «اه» مفعول به (۳) ضمیر «ت»؛ فاعل، «هم» مفعول به (۴) ضمیر «او»؛ فاعل، «ذلک»؛ مفعول به.

۸۷- عین الصحیح عن مفهوم الآیة الشریفة: «لا تجعل يدك مغلولة إلى عنقك و لا تنسها کل التمساً»

(۱) الابتعاد عن الإفراط و التفريط فی الانفاق، (۲) عدم الاسراف فی الانفاق،

(۳) عدم التمسح علی الدیاء، (۴) الابتعاد عن التکاسل.

گزیده ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم آیه شریفه آن است که نه خسیس و پشیم باش و نه اینکه همه چیزها را ببخشی! لذا بر دوری از افراط (زیاده‌روی) و تفريط (کم‌تاهی) در بخشش دلالت دارد.

۸۸- ترجمه آیه «تعالوا علی البر و الشجی» کدام است؟

(۱) یکدیگر را در نیکوکاری و پرهیزکاری یاری کنید،

(۲) باید یکدیگر را در نیکوکاری و پرهیزکاری یاری کنند.

(۳) باید یکدیگر را در نیکوکاری و پرهیزکاری یاری نمایند.

(۴) یکدیگر را در نیکوکاری و پرهیزکاری یاری می کنند.

گزیده ۱ پاسخ صحیح است. «تعالوا» فعل امر باب «تفاعل» است و ترجمه آن «یاری کنید» است. ترجمه صحیح این فعل در گزینه‌های ۱ و ۳ آورده شده ولی در گزینه ۳ «باید» اضافی است. زیرا دارای لغت بنابر خود در جمله

مجرمی نمی باشد.

آیه‌ی انبیا: «ما یؤمنون بالله ورسوله»

۸۹- بماذا تنفعهم الآفة؟
القراء فی الحیاة. بالاعتماد علی سعادة الانسان و عقیده للحیاة. فی ما یؤمنون سلامه روحی و جسمی، یشجع القرآن الناس علی الاستفاده من الطیبات التي تنمیک نشاط الآفة و تقادها.

- (۱) بالاعتماد علی الحیاة.
- (۲) بالاستفاده من نشاطها من الطیبات.
- (۳) بالاستفاده من نشاطها من الطیبات.
- (۴) یشجع الناس علی الاستفاده من الطیبات.

گزیده‌ی ۲ پاسخ صحیح است، با توجه به عبارت «یشجع القرآن...» پیشرفت امت در گرو استفاد از چیزهای پاک است که سلامت و نشاط او را فراهم می‌کند.
۹۰- غیر الخطأ حسب النص؟

- (۱) القرآن دلیل الآفة إسلامها الجسمی فقط.
- (۲) لا تنفاد الآفة إلا بتعلی سلیم الروح و الجسم.
- (۳) یؤمنون القرآن سعادة الانسان.
- (۴) الاستفاده من الطیبات تضمن سلامة الابدان.

گزیده‌ی ۱ پاسخ صحیح است، قرآن راهنمای امت برای سلامت فقط حسنی آن نمی‌باشد.
۹۱- عین الصحیح عن کلمة «تستحب» حسب النص.

- (۱) فعل، مضارع، للمخاطب، مزید ثلاثی
- (۲) فعل، مضارع، للمخاطب، مزید ثلاثی
- (۳) فعل، ماضی، للمغایب، مزید ثلاثی
- (۴) فعل، ماضی، للمغایب، مجرد ثلاثی

گزیده‌ی ۲ پاسخ صحیح است. در گزیده‌ی ۱ «المخاطب» در گزیده‌ی ۳ «ماضی و للمغایب» و در گزیده‌ی ۴ «المغایب» مجرد نادرست است.

۹۲- عین الصحیح فی تشکیل کلمات العبارة التالية: یشجع القرآن الناس علی الاستفاده

- (۱) القرآن - التامین - الاستفاده
- (۲) القرآن - التامل - الاستفاده
- (۳) القرآن - الناس - الاستفاده
- (۴) القرآن - الناس - الاستفاده

گزیده‌ی ۱ پاسخ صحیح است. «القرآن»: فاعل و مرفوع - «التامین»: مفعول و منصوب، «الاستفاده»: مجرور به حرف جر «علی» می‌باشد.

۹۳- عین الصحیح عن کلمة «دلیل»:

- (۱) اسم، مفرود، مذکر، معرب و مرفوع، خبر و مرفوع
- (۲) فعل، ماضی، للمغایب، مجرد ثلاثی، مبنی علی السکون، فاعله «هو المستتر»
- (۳) اسم، جمع التکسیری، جامد مصدری، معرب، فاعل و مرفوع
- (۴) اسم، مفرود، مذکر، مشتق (اسم المفعول)، معرب، خبر و مرفوع

گزیده‌ی ۱ پاسخ صحیح است. گزیده‌ی ۲ که «دلیل» را فعل در نظر گرفته است کهلاً غلط است. در گزیده‌ی ۳ اجمع التکسیر و جامد مصدری و فاعل و مرفوع و در گزیده‌ی ۴ «مشتق و اسم المفعول» نادرست است.

۹۴- ماهی الترجمة الصحیحة للعبارة التالية؟ «المعلی بی ما أنت أهله»

- (۱) یا ما أن کن که تو شایسته‌ی آنی
- (۲) یا من آن کن که من شایسته‌ی آنم.
- (۳) یا من آن رفتاری را کرد که شایسته‌ی آن است.
- (۴) یا من آن کن که تو شایسته‌ی آنی.

گزیده‌ی ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه لغات موجود در جمله:

المعلی: انجام بده بی: یا من ما: آنچه أنت: تو شایسته‌ی آن هستی

- (۱) فی الحدیقة زروء جمیلة قد عرست فی الربیع!
 (۲) السكر لحالنا اقل شیء. یمکن ان یعمد له!
 (۳) لنا ضیوف کثیرون فی بیتنا الاسبوح الغادم!
 (۴) کتابی علی المنضدة التي اشترتها آتی یوم أمس!

گزیده ۱ پاسخ صحیح است. «اقل» خبر مفرد و مرفوع. اما در گزیده های دیگر: «فی الحدیقة» و «لنا» و «علی المنضدة» همگی شبه جمله و مرفوع محلاً هستند.

۹۶- عین الفاعل لیس اسماً ظاهراً:

- (۱) لم یكرم ذلك الرجل صیفةً ففالت له زوجته: عملک لیس صحیحاً!
 (۲) حذف المبدأ المذیر اسم بعض التلامیذ من المشارکین فی السباق!
 (۳) حذرني من الغضب من الذي له خلق جميل فی الشدائد!
 (۴) كان ابي يستجعي علی إعطاء الصدقة فی سبیل الله!

گزیده ۴ پاسخ صحیح است. «یستجعی» فاعله «هو» المستتر. اما دو سه گزیده ی دیگر فاعل المفعول عارست از «لذاک» زوجة، السید، من، که همگی اسم ظاهرند، یعنی ضمیر نیستند.

۹۷- مر حبات دادة شله. چند مفرد وجود دارد؟ «فیشر عباد اللین یستمعون القول فیسعون احسته»

- (۱) ۱ (۲) ۲ (۳) ۳ (۴) ۴

گزیده ۳ پاسخ صحیح است. کلمات «عباد» - «القول» - «احسن» به ترتیب مفعول افعال «یشر» - «یسمعون» - «یسعون» می باشند.

۹۸- «خضراء» چه نوع کلمه ای است؟

- (۱) صفت مشبهه (۲) اسم تفصیل (۳) مصدر (۴) صیغه مبالغه

گزیده ۱ پاسخ صحیح است. «خضراء» به معنی «رنگ سبز» و بر وزن «المغلاء» است. رنگها در حالت مذکر بر وزن «الفل» و در حالت مؤنث بر وزن «المغلاء» بکار می روند و همگی صفت مشبهه می باشند.

۹۹- «هذا» در عبارت «التمه تثقل بنا هذا القليل من القربان» از نظر اعراب چگونه است؟

- (۱) لفظاً منصوب (۲) محلاً مرفوع (۳) محلاً مجرور (۴) محلاً منصوب

گزیده ۴ پاسخ صحیح است. با توجه به معنی جمله. «هذا» «مفعول به» جمله بوده و با نظریه اینکه «می» (اسمی اشاره) منی می باشد) است. «محلاً منصوب» می باشد. ترجمه: اخذایا این مقدار ناچیز قربانی را از ما بپذیر.

۱۰۰- «أطول» در عبارت «شجرة النخل أطول من شجرة البرتقال» چیست؟

- (۱) صفت مشبهه (۲) اسم تفصیل (۳) مصدر (۴) صیغه مبالغه

گزیده ۲ پاسخ صحیح است. «أطول» بر وزن «أفعل» بر «بترتی» چیزی بود دیگری دلالت داشته و با توجه به معنی «اسم تفصیل» می باشد. ترجمه: «درخت نخل بلندتر از درخت پرتقال است».

۱۰۱- همه کلمات کدام گزیده معرب اند؟

- (۱) أتم، صار، صدق (۲) هؤلاء، نحن، جلسن (۳) هذاه، أنتم، لکن (۴) أهل، رياضة، مسجد

گزیده ۲ پاسخ صحیح است. به بررسی گزیده ها می پردازیم:

۱- «أتم» ضمیر بوده و «صار» فعل ماضی می باشد. بنابراین هر دو «مبني» می باشند.

۲- «هؤلاء» اسم اشاره، «نحن» ضمیر و «جلسن» فعل ماضی می باشند. بنابراین هر سه «مبني» می باشند.

۳- «مبني»، «لکن»، هر دو «مخرف» بوده و «مبني» می باشند. «أنتم» اسم شرط بوده و «مبني» است.

۴- در این گزیده، همه کلمات معرب هستند. زیرا جزء هیچ کدام از دست های مبني نیستند.

۱۰۲- ما طور انواع الفعل لهما أشهر إليه بـ: (أكرمى بشكك و عاينها برفق)

- (۱) أمر من باب إفعال و باب مفاعلة
- (۲) ماضٍ من باب مفاعلة
- (۳) ماضٍ و أمر من باب مفاعلة
- (۴) مضارع و أمر من باب إفعال

گزیده ی ۱ پاسخ صحیح است. «أكرمى» فعل أمر مست که دارای «الف مفتوح» در ابتدای آن می باشد. تنها فعل های امر باب افعال دارای «الف مفتوح» در ابتدا می باشد. بنابراین «أكرمى» فعل امر از باب افعال است و در صیغه مفرده مؤنث مخاطب از زیسته اک و م می باشد. «عاملی» فعل امر ساخته شده از فعل مضارع «تعاملین» می باشد که این فعل از باب مفاعله است. «عاملی» فعل امر از صیغه مفرده مؤنث مخاطب و از زیسته اک و م می باشد.

۱۰۳- در کدام شهرت اسم فاعل وجود دارد؟

- (۱) سلام هي حتى مطلع الفجر
- (۲) في الجنة انهار من عمل فضلى
- (۳) و ما ترسل الثرملين إلا فبشرين و هلودين
- (۴) والشمس لجرى لفسقر لها

گزیده ی ۳ پاسخ صحیح است. در گزیده ۳ دو کلمه «بشروا» و «هلودا» به ترتیب اسم فاعل از باب های «تعمیل» و «افعال» می باشد. در این گزیده «ترسل» اسم مفعول است. در گزیده ۱، فاعل اسم زمان ثلاثی مجرور در گزیده ۲، «افضلنى» اسم مفعول از باب «تعمیل» و در گزیده ۴، «الشمس» اسم مکان از باب استعمال می باشد.

۱۰۴- عَنِ النَّخْطِ عَنِ كَلِمَاتٍ هَذِهِ الْعِبَارَةُ: الْأَهْمَاءُ يَتَعَبَّنَ فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ.

- (۱) أهماء = معرفت و مرفوع (۲) يتعبن = معرب
- (۳) في = مبنی علی السكون (۴) تربية = معرب

گزیده ی ۲ پاسخ صحیح است. يتعبن: بر جمع مؤنث عایب دلالت دارد. لذا مبنی بر سکون است سایر گزیده ها درست هستند. عَنِ النَّخْطِ مافیه المشتقات اکثر.

- (۱) (فضل الله المجاهدين حتى القاعدین اجرا عظيماً)
- (۲) أريد معلماً حاذقاً لتربية أولادى و تعليمهم!
- (۳) معجزة هذا النبي شفاء المرضى و إحياء الموتى!
- (۴) (لا يتخذ الكافرين أولياء...)

گزیده ی ۳ پاسخ صحیح است. (مشتقات: معجزة - النبي - المرضى «مفردة: مريض» - الموتى «مفردة: ميت») اما در سایر گزیده ها مشتقات عبارتند از: گزیده ۱: المجاهدين - القاعدین - عظيماً / گزیده ۲: معلماً - حاذقاً / گزیده ۳: المؤمنون - الكافرين - أولياء «مفردة: ولي»

۱۰۶- هناك كتب معيلة في المكتبة العامة، هي مناسبة للمطالعة و نحن نريد أن نستفيد منها. عین نوع الخبر علی التالی:

- (۱) شبه جملة - مفرد - جملة
- (۲) مفرد - جملة - شبه جملة
- (۳) جملة - شبه جملة - مفرد
- (۴) جبار و مجرور - جملة - مفرد

گزیده ی ۲ پاسخ صحیح است. با در نظر گرفتن «هناك، مناسب، نريد» فقط این گزیده صحیح می باشد.

۱۰۷- «أقيت امتحان اللغة العربية و وجدتها صعبة، فتحدثت مع معلّتي في هذا الأمر، لكنها قالت: لا تخافي، أنت تقدرين أن تتحكي!». كم فعلاً مزيداً في العبارة؟

- (۱) اثنان
- (۲) واحد
- (۳) أربعة
- (۴) ثلاثة

گزیده ی ۱ پاسخ صحیح است. أقيت و تحدثت، دو فعل مزيد هستند.

۱۰۸- «نم» در عبارت اجلسوا من يلائمكم حديثاً بطاعة الله چیست؟

- (۱) فاعل
- (۲) مضاف إليه
- (۳) مفعول به
- (۴) نائب فاعل

گزیده ۳ پاسخ صحیح است. در این عبارت «يلائمكم» فعل، «حديثاً» فاعل و «سرفوخ» «ه» مضاف إليه و محلاً مجرور و «نم» مفعول به و محلاً منصوب می باشد.

۱۰۹- در عبارت «لَاتَقْتُلُوا يَوْسُفَ وَ أَلْقُوهُ فِي الْبَيْرِ ثُمَّ قُولُوا لِأَبِيكُمْ: أَكَلَهُ الذَّنْبُ» فاعل چند فعل ضمیر بارز است؟

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در فعل‌های لاتقتلوا (فعل نهی)، القوا (فعل امر) و قولوا (فعل امر)، «واو» ضمیر بارز و فاعل فعل‌های مورد نظر می‌باشد (در جمله «أَكَلَهُ الذَّنْبُ»، ضمیر «ه» مفعول و محلاً منصوب و «الذَّنْبُ» فاعل و مرفوع می‌باشد).

۱۱۰- مَيِّزَ الْعِبَارَةَ الَّتِي جَاءَ فِيهَا اسْمٌ مَبْنِيٌّ

(۱) إِنَّ الْجَلِيسَ الصَّالِحَ خَيْرٌ (۲) لَيْتَ لِلْإِنْسَانِ جَلِيسًا صَالِحًا

(۳) لَا خَيْرَ فِي جَلِيسِ السُّوءِ (۴) لَا تُصَادِقُ جَلِيسَ السُّوءِ

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه ۳، «لای» نفی جنس آمده است. اسم «لای» نفی جنس مبنی بر فتح است. بنابراین کلمه «خَيْرٌ» مبنی می‌باشد. در گزینه‌های دیگر تمام اسم‌ها معرب هستند. (توجه کنید که «لا» در گزینه ۴، بر سر فعل «تُصَادِقُ» آمده است لذا «لای» نفی جنس نیست، چون «لای» نفی جنس بر سر اسم می‌آید).